بسمه تعالی

تکمله مقاله فلسفه و اسرار نماز

نوشته نادر حسن زاده

متن حاضر تکمله نوشته ائی تحت همین عنوان در سایت شفقنا در سال ۱۳۹۱ است. متن قدیم (۱۳۹۱) در زیر دسته "نماز:lux light box نماد اسلام" این سایت قابل دسترسی است.

علت انتشار مجدد آن به دو دلیل، به روز کردن مطالب آن و نیز یکنواخت کردن قالب متن ها در این سایت است.

فلسفه نماز در یک کلمه رونمائی از خود و رابطه خود با خدا در ۵ نوبت نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا است. اگر این ۵ نوبت به هر دلیلی از جمله عقلانیت و اجتهاد و درک واقعیت های امروز زندگی مدرن، در سه نوبت اقامه بشود آنوقت پرسش روزانه این خواهد بود:

صبح چه بودم؟ ظهر چه شدم؟ شب به کجا رسیدم؟ و این رابطه پیوسته است. درحال تغییر است. اوج و فرود دارد. فروغ اش روشنائی وجود است، ایمان است، ایقان است، ایثار است.

خود آدم محاسب خوب می داند کجای کار و در کجا قرار گرفته است. پیام رسان و پیامگیر او تک تک حدود ۳۷ تریلیارد سلول او هست.

تاریخ نشر۱۳۹۵/۴/۲. تاریخ نسخه بازبینی چهاردهم۱۴۰۴/۲/۳۰

hasanzadehr@yahoo.com

- اما فلسفه نماز هر چند ناپایان اما به روایت این قلم در واقع نماز دیدارهای روزانه (صبحگاهی، ظهر/ عصرگاهی و شام/ شبانگاهی) با خدا و رسولش و همه نیروهای خداجوی است.
- آداب دیدار هم مشخص است: پاک بودن (پاکی جسم، لباس، مال، مکان و..)، یک جهت بودن (رو به قبله ایستادن)، یک درب زدن (اذان و اقامه)، یک نفر را تسبیح گفتن (رکعت ها، رکوع و سجود/قنوت ها و تسبیحات اربعه)، یک جور شهادت دادن (تشهد)، سه سلام دادن (به نبیین/رسولین/مصلحین/مقربین و مومنین تمام ادیان و مذاهب، متوفی و زنده) و بالاخره در باغ بودن (حضور قلب).

پس تسبیح: خاص خدا، شهادت: خاص خدا و پیامبر خاتم او و سلام (مثل سه سلام آخر نماز): خاص پیامبران و دیگر بندگان خدا است. هم در این دنیا و هم آن دنیا. هم از سوی خدا، هم توسط ملائک و هم بین بندگان مومن.

اما سلام های ویژه خدا: سلامٌ علی نوحٍ فی العالمین- سلام بر نوح در میان جهانیان (صافات /۷۹)، سلامٌ علی اِبراهیم- درود بر ابراهیم (صافات/۱۰۹)، سلامٌ عـَلی موُسی و هارون- درود بر موسی و هارون (صافات/۱۲۰)، سلامٌ علی آلِ یاسین- درود بر پیروان الیاس (صافات/۱۳۰)، تَحِیَّتُهُمْ فِیهَا سَلَامٌ- تحیت مومنین به هم در بهشت سلام است (ابراهیم/۲۳)، سَلَامٌ قُولاً من رَبٍّ رَحیم- بر آنها در روز قیامت سلام و درودی است از سوی پروردگاری مهربان (یاسین/۵۸ و احزاب/۴۴) وسَلَامٌ عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ- سلام ملائک بر بهشتیان صبور (رعد/۲۴).

اما خود خدا سلام ندارد. مگر در شعر! چرا که خدا خودش سلام است. هم چنین غیر خدا هم تسبیح ندارد. تسبیح غیر خدا شرک است از هر قسم که باشد. چون موضوع بحث سلام های نماز هست باید به زمان، مکان و مخاطبین سلام ها اشاره بیشتر کرد. در این سلام ها تکلیف دو سلام اول مشخص و سلام سوم مبهم است. پازل عامدانه و هوشمندانه. مسلمانان باید همچنانکه تسبیح خدا می گویند باید به مخاطبین سلام های خود نیز فکر کنند و از خود بپرسند چرا سلام ها در آخر نماز؟ چرا مخاطب سلام سوم مبهم است؟ چرا بر حسب ظاهر همه سلام ها واجب نیستند؟

از امام رضا (ع) نقل شده است که سلام برای این در پایان نماز قرار داده شد که سخن گفتن با مخلوقین در ابتدای نماز حرام است. از امام صادق (ع) سؤال شد فرمود: "سلام نماز سلامتی بنده است از آتش".

- حق این است که سلام ها در آخر نماز و اشارات آن پر از رمز و راز باشند. دکتر شریعتی می گوید درشگفتم که سلام آغاز هر دیداریست، ولی در نماز پایان است. شاید این بدین معناست که پایان نماز، آغاز دیدار است.
- من به مکان سلام ها "دار السلام" اطلاق می کنم (تعابیر دیگر در آیات ۱۲۷ سوره انعام و ۲۵ سوره یونس آمده است). زیرا در این منزل همه سالکین و مقربین حضور دائم، امین و آمین دارند. در همین قسمت اول سلام دوم (السلام علینا) انسان با تمام وجودش این حضور را لمس می کند سلامی که می دهد به جمع نمازگزاران زنده که تعدادشان در یک

نوبت نماز به میلیونها نفر می رسد و هر نوبت آن بدون تکرار بی وقفه است. در راستای تکوین روز است (مراجعه شود به شعر در روز ۵ نوبت زندگی است در همین سایت)و نیز به شاهدان متوفی این نمازگزاران در طول قرنها.

- شرط ادب حکم می کند اول از صاحبخانه تشکر کنی بعد به میهمانان سلام دهی. با آنکه اغلب ما همه نماز های غفلت می خوانیم و اگر ما را حین خواندن نماز رو به قبله نکند ما معلوم نیست رو به کدام قبله ایم! و با کی هم صحبت هستیم! مع الوصف خدای متعال مثل اصحاب کهف مراقب ماست زیاد جاده خاکی نزده باشیم تا شاید در یکی از ارکان نماز به خود آئیم و بدانیم اول حمد خدا، بعد حمد و تشهد خدا و نبی خدا و آخر سر سلام بندگان صالح خدا.

اما خدا سلام ها را در آخر نماز قرار داده تا بی مواخذه از بی ادبی های معمول نمازگزاران (عرض ادب های سرسری به خدا و پیامبر او) در سایه رحمت الهی، فرد نمازگزار بتواند وارد دارالسلام در سرای اندرون بشود. چرا دارالسلام؟

چون طبق آیه ۲۵ سوره یونس: وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلى دارِالسَّلامِ- خداوند همه بندگان خود را بسوی دار امنیت و سلامت دعوت می کند. و یا آیات ۱۲۷و ۱۲۵سوره انعام: لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ-هدایت شدگان را که شرح سینه پیدا کرده اند (انعام/۱۲۵) نزد خدا دار سلامت و خانه آسایش است و خدا دوستدار و سرپرست آنهاست برای آنکه نیکوکار بودند (انعام/۱۲۷).

مکانی که اگر هدایت و مغفرت خدا باشد و رغبت و مرتبت بنده بی هیچ تردیدی خود روزی ساکن دائم آنجا خواهد بود. **این یعنی بودن در زمین زیستن در بهشت. تضمین بهشت. آرامش بهشت.**

از این رو، اگر نمازگزار در قسمت سلام ها هم هنوز فکرش در جای دیگر غیر از نماز است بهتر است پس از اتمام نماز در همان حال نشسته سلام ها را یک بار دیگر تکرار کند تا سلام و جواب سلام خود را داده و شنیده باشد. و قدری در آن وادی سکونت کرده باشد و فیض برده باشد. اگرچه این نوع احترام، احترام از راه دور است (سلام قبل از پایان و بعد از پایان نماز به دوری نوبت نماز بعدی است). شاید یکی از وادیها مسرت بخش نماز همین دارالسلام است.

لذت حمد همان مقدار به انسان اوج می دهد که تسکین در بین مومنین. **روزی اگر از نماز خود لذت وافی بردیم بدانیم ما را در نماز خود بردند، ما را به حج تمتع بردند، ما را به عصر خود بردند، ما را به نصر خوب بردند، ما را به جمع خود بردند.**

مردگان را زنده نیست

زندگان را مرده نیست

جز نماز دلداده نیست

در مورد مخاطب سلام سوم هر چه گوئی هم کم است و هم بیراه! دارالسلام جای سلام است اما به کی ها؟ به فرشتگان؟ به جن و انس؟ بقول مرحوم دکتر علی شریعتی به همه نیروهای خداجوی گذشته، حال و آینده؟ به همه مرده ها و زنده

ها، عملی که ما در زیارت قبور مسلمین و غیر مسلمان می کنیم و بدون شناخت از ایشان به همه آنها فاتحه می فرستیم. بالاخره همه گناهکاران مجازات خواهند شد اما هیچیک نابود نخواهند شد. آیا ممکنست در این سلام سوم بطور ناآگاهانه به وجودهای مجازات شده غیر مخلد در جهنم هم سلام می فرستیم؟ یعنی انسان ظرفیت درک رحمانیت خدا را ندارد و همو شعاع و عمق مغفرت خود را از ما مخفی گذاشته است؟

حضرت علی (ع) می فرمایند خطاب"السلام علیکم".... به همگان است. به معنای آن است که همگی از عذاب خدا در روز قیامت مصون هستید". رمزگشائی از این جمله کار هر کس نیست. اما شاید منظور از علیکم کسانی باشند که زنده اند، آزمایش می شوند، سربلند امتحان ها هستند و می روند در عالم برزخ مخاطب سلام سوم انسانهای بعد از خود بشوند (مراجعه شود به تکمله شاخص های قرآنی و دو مرتبه علمی: الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْم و أُولُو الْأَلْبَاب در همین سایت).

- قدر مسلم، نماز جای سلام دادن به آدمهای ناپاک نیست. جای وقت تلف کردن و بی خیالی هم نیست. ارکان نماز بدقت تنظیم شده است. یک اشتباه تو را از وادی رحمت دور می کند و فقها با تبیین اقسام شک ها، میزان حیرانی و یا سرگردانی تو را در نماز گوشزد می کنند! در یک کلمه نماز، مقام ایستادن است! لذتش به گرفتن رخصت برای نشستن است! چند بار باید نشست؟ در هر رکعت دو بار! **کدام نشست بالاترین است؟ نشست آخر! بعد از سجده آخر! جائی که هم شهادت دارد و هم سلام**. دو غیر رکن رکن!
- اَلسّلامُ عَلَیک اَیُهَا النّبیُّ وَ رَحْمَةُ اللّه وَ بَرَکاتُهُ- یعنی سلام بر تواى پیغمبر و رحمت و برکات خدا بر تو باد.
- اَلسّلامُ عَلَینا وَ عَلی عِبادِ اللّه الصّالحینَ- یعنی سلام از خداوند عالم بر نمازگزاران و تمام بندگان خوب او.
- اَلسّلامُ عَلَیکمْ وَ رَحْمَةُ اللّه وَ بَرَکاتُهُ- یعنی سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.

۱. با ذکر تشهد، خدا و پیغمبر می شنوند

۲. و با ذکر سلام اول تا سوم هم رسول مکرم (ص) می شنوند و هم همه انبیا و هم ما و هم صالحین و هم شما! کدام شما؟ بندگان ناشناسی که نه جزو انبیا هستند زیرا در سلام اول قرار نمی گیرند و نیز جزو صالحین هستند زیرا در سلام دوم قرار نمی گیرند. اما طبق این تعریف و تعبیه خدا در سلام سوم، ایشان آدم های پرتی نیستند. زیرا جای آدمهای مطرود سلامهای نماز نیست. بلکه افرادی هستند برای ما ناآشنا و برای خدا آشنا! کارهائی کردند در بزنگاه ها که بی نظیر است. اما افشای هویت ایشان به صلاح نیست. باید اینقدر این سلام ها به شما ایشان داده شود تا از دیگران گناهان مبرا بشوند.

- نفود کلام این سلام ها چقدر است؟ پاسخ این است: **سلام تو آنی است اگر در آن حالی باشد و خوانی!** در پیشگاه خدا سلام نشسته مقبول است و در نزد طاغیان و یاغیان ایستاده! و این اوج احترام خدا به بندگان خود است و این یکی بی احترامی بشر گردن کش به بندگان خدا است. مگر برای خدا سخت بود دستور برعکس آداب نماز را بدهد؟ از سجده تا قیام! اما او آرامش مصلین را می خواهد. برای همین او نماز اول صبح را دو رکعت قرار داده است و

ثوابش همسان دیگر نمازها. اما اگر تاکنون در باند فرود سجده آخر قرار گرفته ای ولی موفق به شنیدن جواب سلامهای مخاطبین خود نشدی بدان در باریابی خطا داری! در سایر موارد هم حکمت خدا بالغه است.

چرا رمضان را ضیافت الله می خواند! تنها ضیافتی که میهمان بظاهر در آن گرسنه است! چون جای طعام آسمانی، معده پر نیست! طعام زمینی با طعام آسمانی ممزوج نمی شود! به محض اینکه معده را از طعام خالی داشتی با طعامی پر می شود که سعدی از آن نور معرفت یاد می کند (اندرون از طعام خالی دار/ تا در آن نور معرفت بینی).

هکذا در موضوع زکات و قرض به خدا؟ چرا دستور خرج پول می دهد چون تا جیب تو از پول زمینی پر است، پول خدادادی داخل جیب تو نمی شود. با هر ریال که از جیبت با طیب خاطر خالی می شود، هفتاد ریال نقدا به حساب جیبت واریز می شود. محاسبات دیگر جای خود دارد و قلم و دوات دیگر می خواهد. آثار مشهود پول واریزی، برکت پول توست و بس.

- چرا به نماز اول وقت تاکید شده است؟ به هزاران دلیل گفته و ناگفته که در جای دیگر آوردم اجمالا خدا در یک وقت معین در جمع اندرونی حضور معنوی پیدا می کند (لقاء الله) و دوست می دارد همه نمازگزاران از این رحمت حضور حظ وافر ببرند. اما مصادیق حالات مختلف نماز های یومیه ما:
  - ❖ اگر هیچ نماز نمی خوانی از رحمت دیدار محرومی
  - ❖ اگر مرتب نماز نمی خوانی گذرا دیدار می کنی
  - ❖ اگر نمازت دیر می شود آخر مراسم ها می رسی
  - ❖ اگر نمازت قضا می شود در جمع ها غایبی
  - ❖ اگر برای مردم نماز می خوانی نفس پرستی
  - ❖ اگر برای صف اول جماعت نماز می خوانی پاداشت با صف آخریها است
  - ❖ اگر گیر ادای درست ولاالضالینی هیچ وقت به دیدار نمی رسی
  - ❖ اگر برای ثواب نماز می خوانی نه ثواب شناسی و نه خدا شناس
  - ❖ اگر دلت نماز می خواهد اما نمی خوانی! جزو کسانی هستی که کارت دعوت داری، آدرس هم بلدی، تا دم محل ملاقات هم می روی اما دست از پا درازتر به خانه بر می گردی
  - ❖ اگر فکرت در نماز به هزار جاست دعوت شده سرگردانی
  - ❖ اگر رکعتی از نماز را فراموش می کنی از بعضی دیدارها محرومی
  - ❖ اگر کثیر الشکی هنوز وارد هیچیک از دو سالن اصلی دیدار نشده ای
  - ❖ اگر نماز مستحبی می خوانی چند بار در روز دیدار می کنی
  - ❖ اگر نماز شب می خوانی، میهمانان ویژه ائی. تو را با سلام و صلوات به محل دیدار می برند

- اگر از نماز خواندن سیر نمی شوی، یا معتادی یا بیکار
- اگر نماز به جماعت خوانی هر جای نماز رسیدی نیت نماز کن. حتی این اتصال در رکعت آخرنماز باشد. زیرا دیدار جمع مومنین با خدا مزه دیگر دارد
- اگر به نماز جماعت علاقمندی به کارت سبز مخلصین له دین و کانال سبز ایشان امیدوار باش
- اگر در اول وقت نماز، نماز قضا را زودتر ادا می کنی به دیدار اصلی دیر می رسی
- اگر نماز را با عجله می خوانی، انگشت نمای مخاطب های سلامهای نمازی
- اگر مسافری و لازمست نماز خود را شکسته بخوانی. اگر به جماعت ایستاده ائی. دو رکعت اول را به قصد نماز واجب با جماعت بخوان. دو رکعت آخر (سوم و چهارم) را بدون شروع نماز دو رکعتی دیگر با همان اذکاری که امام جماعت می خواند ادامه بده. می گوئی مرسوم نیست. می گویم اگر بخواهی دو رکعت نماز مستحبی را ابتدا به ساکن بخوانی به نقطه ائی می رسی که در دو رکعت اول بودی. اما اگر با تسبیحات اربعه جماعت جلو رفتی. اولا با قافله جلو رفتی. دوما به مقصدی جمع رسیدی. سوما ثواب دو رکعت نماز مستحبی را بدست آوردی. تصمیم باز با خودت هست.
- و اگر از نماز لذت نمی بری چون نمازهای تکراری ملالت آور است، بی خاصیت است، فیزیک است شیمی وجود نیست. از روی عادت است، بی محتواست، رفع تکلیف است. در حالیکه در چهار چوب یک نماز تعریف شده برای اوقات مختلف شرعی می توان با تغییر اذکار و آیات مربوط به رکوع و سجود و نیز با جایگزینی سوره اخلاص با سور کوتاه دیگر قرآنی نماز خود را به روز کرد، از یک نواختی بیرون آورد، شادابی بخشید و خود را از نظر معرفت حضور متکامل تر یافت و با تکیه بر جایگاه رفیع خودشناسی-خداشناسی چون حافظ گفت به مقامی رسیده ام که مپرس.

اما پازل های روشن و تاریک این دیدگاه:

- خواندن تسبیحات حضرت فاطمه زهرا (ع) که به منزله تشکر از اجازه دیدار خدا در هنگام خداحافظی است. جایزه نقدی نماز است. افزودن نور سبز ویژه به الوان نورها جهت تشکیل دادن یک رنگین کمان کامل در انتهای نماز است. دادن امری بجا، شایسته، بحق و مورد پذیرش همه مسلمین. نشان می دهد این هدیه آسمانی به آن مادر همه مسلمین جهان بوده است. سجده پایانی نماز را که بعضی از نمازگزاران در پایان نماز به آن اقدام می کنند بهترین مقام و افتاده ترین حالت بدن برای التماس دعاست. این مقام هم برای ادب مستکبران است تا آدمهای جاهل بدانند تواضع و خضوع در سجده خاص خداست و نباید آن را بقول مرحوم اقبال لاهوری نذر قباد و جم کرد! و هم مقام در زدن ممتد خانه خدا است. زیرا در سجده های پیشین عابد در خانه خدا را دو بار در هر رکعت با پیشانی خود می زند.

چرا پیشانی؟ چون مظهر، پیشگام و نماد تن است. هر کس را با پیشانی سفید و سیاه او می شناسند. و چرا دو بار؟ صرفا بخاطر اطمینان از زنگ خوردن در و شنیدن صدای در و البته و صد البته گرفتن همه انرژی هسته زمین در مسیر قبله عالم (مراجعه شود به مقاله خلقت زیبا. زمین زیبا. کعبه آمال زیبا. خالق زیبائی ها زیبا،۱۳۹۹ در همین سایت).

- برعکس، دو مورد است که با فلسفه وجودی نماز یومیه و نه نماز شب و نماز عید فطر هم خوانی ندارد! اول قنوت است.

قنوت در لغت به معنای طاعت، سکوت، دعا، به نماز ایستادن و خودداری از سخن گفتن آمده است که ما فقط جنبه دعائی آن را گرفته ایم! وقتی ما در دو رکعت اول نماز مشغول ستایش خدا هستیم حق نیست که در وسط دعوا نرخ تعیین کنیم! و هر چیز بنام دعا (زمینی و آسمانی) را وارد عرصه عبادت و ستایش کنیم. در همه رکعت ها دستور به ستایش به حالت ایستا است. بعد هر رکعت، نوبت به رکوع و سجود می رسد (حالت به زانو و افتاده) تا ستایش و تعبد به اوج خود و بندگی ها به اثبات برسد. معنی روایت **نماز معراج المومن است یعنی همین** (مراجعه شود به مقاله پوستر معراج نماز،۱۳۹۵ و شرح معراج نبی اکرم و مکرم (ص)–حوادث قبل و بعد از آن، ۱۳۹۹ در همین سایت).

بین حالت ایستادن و نشستن فرد نمازگزار به معراج می رسد.

معراج مومنین کم شباهت ترین معراج به پیامبر نبی است.

زیرا به قصد بالا رفتن به آسمانها و دیدن رمز و رازهای ماسوا نیست. بلکه به قد یک وجب بالا رفتن است و بیشتر در زمین ماندن و به زمینی ها رسیدن است. اینکه نماز صبح یک نوبت و نمازهای یومیه دیگر در دو نوبت برگزار می شود چون در نماز دو رکعتی صبح نمازگزار، بی وقفه (nonstop) با کمترین طی طریق و مصرف انرژی وارد حریم آستان قدس می شود. حق این نماز هم همین است چون فرد از خواب خود می زند تا دیدار خدا کند، هم صحبت خدا بشود. برای همین او را بی وقفه وارد آستان حریم قدس می کنند و چون معراج بی وقفه است فرد نمازگزار درحین ادای نماز بدست ملکوتیان شستشو و طاهر می شود.

اما در نمازهای یومیه دیگر فرد با طی طریق و گذشتن از دو منزل پای به حریم آستان خدا می گذارد. در نماز ظهر و مغرب ابتدا فرد را در منزل اول با گلاب ناب تطهیر می کنند. جسم او که طاهر شد او اجازه می یابد با نماز دوم (عصر و عشا) وارد آستان حریم قرب بشود. تاخر و تقدم، تاخیر و توقف در انجام این ناب ترین عبادت و دیدار الهی نه جایز و نه ممکن است.

زیرا برای رفتن از منزل اول (ظهر و مغرب) به منزل دوم (عصر و عشا) سه شرط لازم است. ۱) تسبیحات حضرت فاطمه زهرا (ع) را خوانده باشد و تائیدیه نماز اول خود را گرفته باشد، ۲) بین دو نماز، در محل کسب و کار خود فرصت کار خیر داشته باشد. باصطلاح از پس امتحان شهر (شرع) هم برآمده باشد،۳) زکات مال و علم و..هم داده باشد. در غیر اینصورت اگر مسلمانی عادات به خواندن نماز پنجگانه در سه نوبت دارد باید به انجام این سه عمل پیوسته متعهد باشد.

- نمازهای جماعت اوج تسلسل اقامه نماز از حرف (اذکار نماز) تا عمل (تعهدات نماز) است. فرد مقید به مبانی نماز باید به موقع خود را به نماز جماعت برساند تا بصورت دسته جمعی اجازه حضور یابد. با همصدائی با هم با خدای خود همصدا و هم صحبت بشوند، تا با نور خود از نور خدا برخوردار باشند و با این کار نور خود را مضاعف بکنند (نور جماعت بالسویه بین همه نمازگزاران تقسیم می شود و ثواب یک نماز جماعت همزمان نصیب یک فرد هم می شود. این یعنی برخورداری از پاداش همگانی نماز) و هم نور جماعت خود را به رخ دیگران بکشند. با این فرض مسلم، درجا مانده ها در هر قسمت از نماز جماعت که رسیدند باید اقتدا کنند و بدون وقفه به جمع راهیان آستان خدا بپیوندند.

در این نماز حق گفتن شهادتین و سلام را با جمع ندارد و تا سلام ها و نه فقط شهادتین به اتمام نرسیده حق بلند شدن و خواندن بقیه نماز را ندارد. زیرا برای جامانده ها اتوبوس دیگری وجود ندارد تا او را به منزلگاه اول برساند. لذا تاخیرکنندگان این سفر روحانی باید نماز جامانده یا کم خوانده خود را فُردا به بخوانند و به اصطلاح با پای پیاده خود را به منزلگاه اول برسانند. تطهیر ایشان هم مثل نماز صبح درجا خواهد بود. در حالیکه منتظرین نماز دوم چون به موقع رسیده اند هم تطهیر شده اند و هم از نور هم و هم از نور خدا نورها گرفته اند. کسی در این سفر نباید خارج از دستور عمل کند. اگر به جماعت هستید حق سخن در دو رکعت اول با امام جماعت است. خدا حضور جمع و صدای واحد را دوست می دارد. تفرقه مسلمین با داشتن نماز جماعت موجب نفرین خدا و ملائک است.

هر کسی حق ایستادن در مقام امام جماعت را ندارد. درست است هرکسی داوطلب شد بر او حرجی نیست و پیشنماز اگر چوب باشد بهتر از آن است که آن چوب نباشد. چرا که در مسجد نماز فرادا خواندن توهین به جمع و مخاطب جمع یعنی خداست. درخانه خدا خود خدا (خانه خدا) راسا پیشنماز مردم است. و در مساجد دنیا امامان جماعت نماینده نبی برای اقتدای جمع مومنین هستند. در عین حال نباید فراموش کرد نماز معراج مومنین است و نماز جماعت مظهر غائی سلسله مراتب بندگی. بنابراین امام جماعتی که شایسته امامت امت نیست سخنگوی خوبی هم برای جماعت در پیشگاه خدا نیست. زیرا مقام امامت به لباس ظاهر نیست بلکه به لباس تقوا است. امام جماعت هر مسجد باید تلاش کند متقی ترین جمع خود را پیدا کند و مسئولیت راهبری جماعت را به او بسپارد. این فرد با این کارش یک امام جماعت متقی است. دیار خدا با امام عادل و متقی یک صفا، یک نوا، یک هارمونی و چند برکات دیگر دارد.

وظیفه امام ترین انسانها باران رحمت خواستن از خداست. این امام باید به جماعت نمازگزار آموزش بدهد که از خدا در هیچیک از مقام های مختلف نماز بخصوص در دو رکعت اول نماز درخواست های دنیوی نداشته باشند.

- **گرفتن قنوت و گفتن ربنا اتنا فی الدنیا حسنه و فی الاخره حسنه از مصادیق بارز درخواست دنیوی است. با این قنوت ها، ترتیب آداب بندگی کاملا بهم می خورد. فکرش را بکنید در یک نماز ۴-۳ رکعتی، در رکعت دوم فرد بناگاه دست از ستایش خدا بر می دارد و دست بدامن خدا برای عافیت دنیا و آخرت خود می شود! از خدا برای گناهان خود و دنیای بهتر خود طلب استغفار و روزی می کند! بعد از این افول جهل آلود (قطع برق! و اختلال در**

تقارن دو رکعت اول با دو رکعت دوم در یک نماز ۴ رکعتی)، نوبت به خواندن تسبیحات اربعه می رسد و باز ستایش خدا این بار از نوع ابراهیمی اش! چرا ستایش ابراهیمی؟ چون بفرمایش علی (ع) ذکر ابراهیم در ساختن خانه خدا (خانه توحید) ذکر تسبیحات اربعه بوده است.

رنگ توحیدی این ستایش با آهنگ ملایم خود بخوبی در رکعت های دوم و سوم نماز دیده شده است. ستایش ها در دو رکعت اول نمازهای مغرب و عشا با صدای بلند شروع و با صدای آرام در رکعت (ها)ی بعد دنبال می شود.

چرا باید تسبیحات اربعه در همه نمازها با صدای آرام خوانده شود؟ برای دقت است؟ برای تمایز دادن دو رکعت اول با رکعت های بعدی است؟ برای حفظ موسیقی نماز است؟ برای به هوش آوردن نمازگزار غرق در مشکلات خود است؟ گاردریل نماز است؟ یا قله آخر فتح نماز و توحیدی شدن نمازگزار؟

چقدر ما قادریم از ارکان نماز رمزگشائی بکنیم؟ کسانیکه از نماز رمزگشائی کردند چقدر خواندن نماز برای ایشان سخت یا آسان می شود؟

چرا تیغ را فقط در هنگام اقامه نماز می شد از پای علی (ع) در آورد؟ چرا حرا فقط حضرت پیامبر (ص) را می خواند؟ آیا نماز همه تاریخ انسان است؟

- سئوال آیا قنوت مزاحم یا مراحم نماز است؟ آیا قنوت تسلسل طبیعی ستایش خدا را مختل می کند؟ ستایشی که با حمد و سوره شروع و با آهنگ ملایم تسبیحات به اوج می رسد با قنوت و دعاهای وارده بر آن برگرفته از کلام وحی تا الفاظ نورانی از نبی و علی به زبان عربی در این روند صعود و عروج روح انسانی اخلال ایجاد نمی کند؟ یکی از دعاهای معمول ما در قنوت ذکر کلمات فرج است: "لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و ما تحتهن و رب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین اللهم اغفر لنا و ارحمنا و عافنا واعف عنا فی الدنیا و الاخرة انک علی کل شیء قدیر:

نیست معبودی سزاوار پرستش، مگر خداوند یکتا، که بردبار و بخشنده است. نیست معبودی سزاوار پرستش، مگر خدایی که یکتا و بزرگ است. پاک و منزه است پروردگار آسمانها و زمینهای هفتگانه و آنچه در برون و درون آنها است. و خدایی که محیط است بر سراسر آفرینش. و همه ستایشها و نیایشها سزاوار خدایی است که پروردگار جهانیان است. بار خدایا مرا بیامرز و بر ما رحم فرما و ما را از همه بدیها و کجرویها و گزندها محفوظ بدار و در این دنیای زودگذر و آن دنیای پاینده از گناهان ما درگذر. بدرستی که تو بر همه چیز توانایی.

این دعا یا هر دعای دیگر در جائی غیر از قنوت ادا می شد بهتر نبود؟ چرا نماز برادران اهل سنت قنوت ندارد و در شیعه این عمل یک امر مستحبی است؟

چرا در کل نماز شب، فقط تاکید بر قنوت بلند بالای نماز تک رکعتی وتر دارد؟ و چرا قنوت نماز عید فطر لازم بلکه ضروری است؟ زیرا در اکثر این نمازها، کل نماز برای قنوت است. این نماز بدون قنوت ارزش نماز عید را ندارد.

ارزش پاداش عید را هم ندارد. نهایت بی تفاوتی بین خالق و مخلوق است. شاید هم کمی دلگیری از ناحیه فرد روزه دار!؟ **نماز عید واجب نیست اما به یک معنا از همه نمازهای واجب واجب تر است.**

در نمازهای یومیه تقدیرهای خدا به صورت بطئی و تدریجی است. اما در روزه این پاداش ها پر رنگ است. از همه رنگ است. فوق رنگ است. رنگ مدل ها و لوح تقدیر ها آن را نشان می دهد. لوح ۳۰ روز روزه داری. روزه ائی که در وجوب آن هزاران حکمت است. کلی نفع روحی و جسمی نصیب روزه دار می کند. اما روزه دار پاداش می خواهد. پاداش نقد هم می خواهد. فرزندان ما هم که تازه به سن تکلیف می رسند برای نماز انتظار پاداش ندارند اما برای روزه انتظارات دارند حتی اگر بر زبان خود نیآورند! خود ما هم که از بازار خرید می کنیم درخواست تخفیف می کنیم. زندانیان هم در این ماه انتظار عفو و تخفیف مجازات دارند.

ماه مبارک رمضان ماه همه چیز است. قد ماه است قدر سال. نزول نعمت های خدا در شبهای قدر که معادل هزار سال است در عمل نامحسوس است. اما دریافت پاداش های خدا بعد از نماز عید فطر مشهود است. حتی انتخاب پاداش هم بر عهده فرد روزه دار است. برخی پاداشهای خدا برای برداشت آزادانه آن دم دست است و برخی دیگری بلندپروازانه است. فوق پاداش است. در سطح پاداشهای رسول الله و اهل بیت اوست. به خدا می ارزد. یک ماه روزه، یک فطریه ناقابل و اینهمه پاداشهای رنگارنگ. این حرف من نیست. انتظار دعای عیدفطر است:

- اَللّهُمّ اَهْلَ الْکِبْرِیآءِ وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَهْلَ الْعَفْوِ

خدایا ای اهل بزرگی و عظمت و ای شایسته بخشش و قدرت و سلطنت و ای شایسته عفو

- وَالرَّحْمَةِ وَاَهْلَ التَّقْوی وَالْمَغْفِرَةِ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ هذَا الْیَومِ الَّذی

و رحمت و ای شایسته تقوی و آمرزش از تو خواهم به حق این روزی که

- جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمینَ عیداً وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ اله ذُخْراً (وَشَرَفاً)

قرارش دادی برای مسلمانان عید و برای محمد صلی الله علیه و آله ذخیره و شرف

- وَ کرامتا وَمَزیْداً اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ ال مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُدْخِلَنی فی کُلِّ خَیْرٍ

و فزونی مقام که درود فرستی بر محمد و آل محمد و درآوری مرا در هر خیری که

- اَدْخَلْتَ فیهِ مُحَمَّداً وَ الَ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُخْرِجَنی مِنْ کُلِّ سُوٓءٍ اَخْرَجْتَ

درآوردی در آن خیر محمد و آل محمد را و برونم آری از هر بدی و شری که برون آوردی

- مِنْهُ مُحَمَّداً وَ الَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ

از آن محمد و آل محمد را – که درودهای تو بر او و بر ایشان باد – خدایا از تو خواهم

- خَیْرَ ما سَئَلَکَ مِنْهُ عِبادُکَ الصّالِحُونَ وَاَعُوذُ بِکَ مِمّا اسْتَعاذَ مِنْهُ عِبادُکَ الصّالِحُونَ

بهترین چیزی را که درخواست کردند از تو بندگان شایسته ات و پناه برم به تو از آنچه پناه بردند از آن بندگان شایسته ات.

- پس معلوم شد چرا نماز عید فطر روزه دارد. عین همین در مورد مراتب و مقامات نماز شب هم صدق می کند.
- **چراهائی که در مورد لزوم یا عدم لزوم گرفتن و خواندن قنوت مطرح شد در نماز اهل تسنن برای گفتن آمین در آخر سوره حمد مصداق پیدا می کند. آیا سوره توحید، سوره حمد است و یا سوره دعا؟** (به پاراگراف بعد توجه بشود. ذیلا خواهد آمد حضرت علی (ع) فرمود: **سوره حمد اولش ستایش، وسطش اخلاص و آخرش نیایش** است)

آمین را باید نمازگزار بگوید؟ یا خدا؟ و یا مقربین درگاه خدا؟

در مجالس مذهبی غالبا یک نفر دعا می کند و دیگران آمین می گویند. در نماز جماعت هم امام جماعت به نمایندگی از ماموین سوره حمد را می خواند و همه در همان حال حمدگو هستند و نه دعاگو. لذا نمی شود گفت امام دعا می کند و جماعت ماموم آمین می گویند. آیا آمین گفته شود چه اتفاقی می افتد؟ الان در خود ایران هم در نمازهای جماعت، رسم بر گفتن آمین شده است. پاسخ: مشکلی ایجاد نمی کند زیرا دعا و آمین بر خود گفتن است.

- ممکنست سئوال شود پس کجای نماز محل دعاست؟

می گویم آخرین سجده نماز وقتی که آماده گفتن آخرین شهادتین، اولین و آخرین سلام در دارالسلام هستی. در این مقام هر چه می خواهد دل تنگت بگو اما بیشتر بگو الهی الهی، العفو العفو، المغفره المغفره، و قل ربی زدنی علما و.... اینقدر بگو تا روشن شوی، محبوب شوی تا نصف شب مصلوب شوی. برخاستی دیگر این زبان تو نیست شهادتین می گوید بلکه روح برخواسته توست که حقا حقا می گوید. رکورد خود شکستن و به صالحین پیوستن نصیب هر کس و هر نماز نمی شود.

توفیق شنیدن جواب سلام از خدا در هر قسمت (رکن) نماز یک نصیب لایتناهی است.

درست است که کسی که به دیدار حق شتافته و نزدیکترین کس به خدا یعنی رسول گرامی را دیده (تشهد) و در دارسلام [لَهُمْ دارُ السَّلامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ وَلِیُّهُمْ بِما کانُوا یَعْمَلُونَ–برای آنان نزد پروردگارشان خانه سلامت و امن است؛ و به پاداش

کارهای پسندیده ای که همواره انجام می دادند یار و سرپرست آنان است. انعام/۱۲۷. در ماه مبارک رمضان ۱۴۰۳ به این آیه رسیدم. دیدم بهترین مصداق برای این انتخاب من (دارسلام) می تواند همین آیه باشد] جمع خوبان دیده نیاز مبرم و دائمی برای عریضه دادن و دعا کردن ندارد و غنودن در آن وادی رحمت او را کفایت می کند. اما انسان است و هزاران امتحان پیدا و ناپیدا. لذا در این مقام همه نگاهت از پائین به بالا است و کوفتن بر آستان حق آنهم با پیشانی تا در بگشاید و تو را با دستان خود بلند کند تا احساس کنی در زمین تنها نیستی و بسیاری از مشکلات با تدبیر او قابل حل است. نماز که تمام شد باز برو به سجده، سجده آزاد و بگو به زبان مادری محرمانه ترین حرفها و درد و دلها و حتما و حتما استغاثه برای رفع مشکلات خود و دیگران (مراجعه شود به مقاله تکمله مقاله نماز به عربی و دعا به فارسی نور است، ۱۳۹۵ در همین سایت).

وَ لَقَدْ آتَيْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِي وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ- و به راستی که هفت آیه از مثانی (منظور سوره حمد به عدد دو از اثنان گفته می شود زیرا در نماز دوبار خوانده می شود) و قرآن بزرگ را به تو عطا کردیم (حجر/۸۷).

در روایتی آمده که خداوند می‌فرماید: من سوره حمد را میان خود و بنده‌ام دو قسمت کرده‌ام؛ نیمی از آن در مورد من است و نیمی از آن به بندگانم ارتباط دارد (از "بسم‌اللّه" تا "مالک یوم الدین" مربوط به خداست و از "ایّاک نَعبد" ببعد که اظهار عبودیّت و استمداد و دعاست مربوط به بندگان است.

علی (ع) هم می فرماید: سوره حمد اولش ستایش، وسطش اخلاص و آخرش نیایش است.

اتقیا و ازکیا را من نوشتم

از سر دار بلند هم من نوشتم

سوره حمد را نوشتم

من خدا را کم نوشتم

دائما دنیا نوشتم

حق مردم، حق نوشتم

با حیا، حیران نوشتم

با حرا، ایوان نوشتم

روز حق، حق را نوشتم

روز جنگ، جنگ را نوشتم

من سیاهی را صد نوشتم

روشنائی روز نوشتم

با قلم یا با قدم قرآن نوشتم

اسم اعظم اسم نوشتم

من خودم احمد نوشتم

رحمت عالم عظیم است

اولش حمد را نوشتم

در وسط اخلاص نوشتم

آخرش سبحان نوشتم

یک دعا از خود نوشتم

از قضا نعمت نوشتم

از صراط سوغات نوشتم

مستقیم تا خود نوشتم

- **دست به جیب نشدی نمازت ابتر است. دل فقرای دم در مسجد را بدست نیآوردی نمازت زار است. در رفع مشکل درمانده ائی که از پشت تریبون مسجد به اطلاع عموم می رسد مشارکت نکردی نمازت نادار است.**
- موضوع دیگر امکان حذف یک یا دو سلام آخر نماز است! هرچه آدم دقیق تر می شود هیچ مخاطب این سه سلام قابل اغماض نیستند. سلام ما به ایشان متضمن سلامتی ماست و ذخیره جا در همان دارسلام پس از فوت اگر نگویم قبل از فوت! مثال این مقام به قطاری ماند که موتور محرکه آن حیات ما و سوخت آن سلام های ماست. بعد از فوت، جای ما را دیگر نمازگزاران می گیرند و به ما اگر از صالحین باشیم در کوپه آخر قطار (مقام سلام) بعنوان مسافر راه حق سلام می فرستند. ضمن اینکه وقتی فردی وارد دارسلام می شود نهایت بی ادبی است به یک نفر/گروه سلام بدهد و به فرد/گروه دیگر بی ادبی!
- پازل دیگر توجیه سلام های مستحبی به ائمه اطهار پس از پایان نماز است!

چون ایشان را در دارسلام و در جایگاه ویژه دارسلام دیده و سلام کرده ایم. لذا سلام تکراری نامربوط است. مگر بگوئی در زمان سلام دادن به صالحین فکرت جای دیگر بوده و به این وسیله سلام ویژه می فرستی! خوب این یک عذرخواهی تلفنی است! و قابل توجیه است.

- پرسش دیگر اختلاف شیعه و سنی در گرفتن وضو است.

این مورد را آخر نوشتم زیرا شهریور ۱۴۰۰، یک ویدیوئی به زبان عربی با زیر نویس فارسی بدستم رسید که در آن یک کارشناس محقق در جمع تعدادی از حضار اعلام می کرد که منظور "آیه وضو" از يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلاَةِ فاغْسِلُواْ وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُواْ بِرُؤُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَينِ ...– ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون به عزم نماز برخیزید صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین هر دو پا مسح کنید...،

مسح کردن هم سر و هم پاهاست و می گفت این رسم را حجاج بن یوسف در نماز باب کرد! **و حجاج هم کسی نیست جز آن آدمی که خانه کعبه را به آتش کشید و صالحین را کشت**. نوشته اند او زاده ۴۰ ه.ق– درگذشته ۹۵ ه.ق است. والی حجاز و عراق در روزگار پنجمین خلیفه بنی امیه، عبدالملک بن مروان بوده است. هم مروان و هم حجاج از خونخوارترین خاندان بنی امیه بودند. چه روایت فوق صحیح باشد و یا ناصحیح، اهل سنت به این نتیجه رسیدند با توجه به دوری مساجد و مشغله زیاد مومنین، شاید لازم باشد ۱) نمازها را در سه نوبت خوانده شوند (نظر یک کارشناس مصری در یک ویدیوی دیگر) و ۲) به جای شستن پا که فرصت آن در این دور و زمانه برای همه مقدور نیست، مسح کشیدن، معقول ترین و سهل الوصول ترین راه رسیدن به نماز اول وقت بدون دغدغه های جانبی است.

- باید دانست ادای حق نماز (اقامه نماز) دارای چندین اثر انگشت است که نمود ظاهری آن بر پیشانی و زانوها هست (و نه صرفا بر پیشانی و نه فقط در پیشانی آقایان!). نمود دیگر آن غافل نشدن یا کم غافل شدن در خواندن نمازهای یومیه است؟

چرا در نماز همه از نماز غافل می شویم؟

چرا خیلی از بزرگان اعتراف می کنند که به عمر خود دو رکعت نماز درست و حسابی نخوانده اند؟ چرا وقتی هم که تصمیم می گیریم با دقت و حضور نماز بخوانیم یک ثانیه هم قادر به اوفوا به عهد خود نیستیم؟ آیا این بیشتر بخاطر ندانستن زبان عربی است؟ آیا خدا این جوری مقرر داشته است؟ تا انسان به ظاهر با خدا اما در عمل با خلوت خود هم صحبت بشود؟ خوب آن موقع چرا از این فرصت طلائی همه استفاده نمی کنند؟ آیا انسان به این خلوت نیاز دارد؟ تا هر آنچه را هم در یادش نبوده در نماز به یادش بیفتد (ریکاوری)؟ یا نه خدا با این وسیله خواسته یک محکی برای مقبولیت نماز برای انسان تعریف بکند و خیلی منتظر جواب آزمون نماز خود نباشد!

و شاید هم ابعاد نماز وسیع تر از این حرفهاست. همین غفلت در نماز که مرسوم ماست و نه مطلوب خدا یک نوع تقویت حافظه است! علاج ده ها درد است! درمان دردهای ناشناخته مغز است! استراحت دادن به مغز و تاباندن نور در هنگام نماز به نمازگزار در برابر قبله خداست! با پیشرفت علم سنجه های مدرن علمی ارزیابیهای دقیق تری از عملکرد نماز ارائه خواهند داد تا مردم بی اعتقاد، خدا را در دو قدمی خود بعینه یا به کمک عینک علم مشاهده بکنند و از آن پس بهتر از نسل های قبل گوش به فرمان خدا با زبان علم باشند. لذا هیچ چیز در مکتب خدا بی حکمت نیست حتی غفلت در نماز!

در سفر یونان که بودم (بهمن ۱۴۰۱) و نماز را به صورت قصر می خواندم به اهمیت این موضوع بیشتر پی بردم و به این شایدها دو شاید دیگر هم اضافه کردم:

شاید هرچه آسان گرفتن نماز بر نمازگزاران است. مثل اتوبوس سوار شدن یک فرد در یک مسیر همیشگی که ممکنست فرد با مسافر بغلی خود آنقدر گرم صحبت بشود که حتی ایستگاه را رد کند و نداند کجا رسیده است!

به همین ترتیب، قصر نمازها در مسافرت های طولانی جهت راحتی مسافر در عین انجام تکلیف الهی است. نمازگزاردن با شرایط ویژه است. با یک بلیط دور دنیا و دور خدا رفتن است.

- با این مقدمه اگر یک موقع هائی با نماز خود حال می کنی بدان داری به یک جاهائی می رسی و اگر مدت آن طولانی و اثرات اجتماعی آن بیشتر شد بیشتر امیدوار باش.
- و اگر خواندن هزاران رکعت نماز برای تو خستگی آورد و رفتاریت را دگرگون نکرد و تو را بیشتر متظاهر کرد نماز را ببوس و مدتی کنار بگذار تا احساس دوری از خدا را بکنی! و وقتی هم که تمایل داشتی به نماز برگردی ابتدا از خدمت به خلق خدا شروع کن. از بذل مالت و وقتت شروع کن. این دیون توست که نپرداخته اید و تا این دیون به گردن توست باز خوانی نماز بی فایده است. آزموده را باز آزمودن خطاست. نمی شود یک فرد یک عمر نماز بگزارد و اثر انگشت محسوس آن را در زندگی خود و جامعه خود و حتی نسل اندر نسل بعد از خود صفر و یا نزدیک به صفر باشد (بدون باقیات صالحات).
- بنابراین اگر خود را جزو یکی از این گروه های بالا یافتی باید نماز خواندن خود را تقویت کنی. با چی؟ با مطالعه و تفکر. به فرمایش پیامبر (ص) "اول الدین معرفته و اول عبادهٔ الله معرفته" (اول دین معرفت است و اولین عبادت خدا معرفت خداست.

دانائی رمز مسلمانی و نشان انسانی است.

با دانائی انسان دوپا، انسان بی پا می شود. معراج می کند، نماز اقامه می کند و دیدارهای یومیه (نماز) را شبانه روزی می کند. برای آنکه بدانی نمازت مقبول افتاده یا نه به اشک چشمانت و لرزش صدایت توجه کن. این یعنی قبول شدن در امتحان شفاهی! امتحان کتبی، نامه اعمال ماست. برخلاف همه امتحانها که اول کتبی را می گیرند بعد شفاهی! اینجا امتحان خلق خدا از خود خدا سخت تر است. چرا که مردم عیال الله و خدا رب الناس است. اما محل امتحان، سطح جامعه (محلی، ملی و بین المللی) است. خوشبختانه تعداد این دیدار ها/امتحان ها ۵ نوبت در روز است.

هیچ دیدار جمعی به تعدد بار عام های روزانه خدا نیست.

یاد داشته باشیم نماز را که شروع کردی نباید قطع کنی مگر در موارد اضطراری. شکهای نماز مانع قطع نماز تو نمی شوند. نمی توانی از وسط راه/دیدار/آزمون/میهمانی/ و یا هر چیز دیگری که دون شان نماز است برگردی! از حوزه مغناطیسی خارج شدن نه سزاوار تو و نه بندگی خداست. چه بد تعبیری است این جمله نازیبا که: خوش به حالت نمازت را خواندی

و راحت شدی! راحتی از چی؟ نماز رکن دین و آغاز وظایف سنگین مسلمانی ماست. اجیرکردن فرد برای ادای نماز و روزه و... یک میت پاک کردن صورت مسئله است. کسی که خدا را در زمین ناقابل خدا ملاقات نکرده و یکبار هم شده در جمع حاضرین خدا حاضر نبوده چه توقعی از قیامت و ترازوی قیامت دارد؟

هیچ عملی نمی تواند جایگزین نماز بشود. هزار حج جانشین یک رکعت نماز نمی شود. هزار سوگواری ماه محرم یک نیم رکعت نماز نیست. بهترین دلیلش گرفتن مهلت برای اقامه نماز در دشت کربلا بود.

ضمن اینکه فعالیت های روزانه هر فرد مسلمان با نماز صبح شروع می شود. جوامع غیرمسلمان اسلوب زندگی خود را دارند. اما مسلمانان تکلیفی بر دوش دارند که اگر به آن آگاه بودند چه بسا اگر نمی توانستند خود را تغییر بدهند دنیای خلق خدا را تغییر می دادند! نجات فردی در اسلام مذموم است. بداد مسلمان و نامسلمان شتافتن شعار اسلام است. اگر جوامع دو قطبی هستند، اگر پدیده زشت استکبار و استثمار است چون دین خدا پیاده نمی شود. اگر امام حسین شهید و امام زمان غایب است چون اسلام پیاده نمی شود. برای پیاده کردن اسلام هم یک راه بیشتر فراروی ما نیست و آن اقامه نماز است. نماز از انسان نام، انسان امام می سازد. نماز از یک امت خام، یک امت وسط می سازد.

اما بیمه نماز، زکات است.

بیمه نامه نماز تا نوبت بعدی نماز است. منافع اش متوجه جامعه است (شخص ثالث). زکات خروج از فردیت و رفتن در عرصه اجتماع است. زکات همزاد نماز است. پشت و روی یک سکه است. یک روی آن نماز و روی دیگر آن زکات. نماز خالی حرف مفت است! حتی اگر با اخلاص کامل باشد. هر دیدار (نماز) پاداش خداست و شکر آن دادن صدقه و زکات توسط نمازگزار است. جایگاه سایر فروع دین هم بسیار هوشمندانه تعیین شده است. در زکات محور بر مبنای هرکه بامش بیش برفش بیشتر است! اما کدام بام؟ بام یک نمازگزار واقعی یا بام یک تاجر بازاری؟ یا بام هر بنده ای که مردم را به چشم عیال خدا می بیند؟ در بازار اسلام، یک تاجر مسلمان فاقد گنج و گنجینه (کنز) است. همه آحاد جامعه برخوردار از یک روزی متعارف هستند چون روزی او را خدا در سرزمین او و در اموال دیگران گذاشته است (چهل همسایه/الجار ثم الدار) تکلیف محلی! روزی حلال و یک زندگی معمولی بر همه داشتن ها شرافت دارد. ضمن آنکه برکات فراوان دنیوی و اخروی دارد.

وجود خط فقر و خط نکبت در جامعه ائی که مردمش نماز بپا می دارند (دیدارهای یومیه) و به استقبال روزه (میهمانی سالیانه خدا) می روند نشان دهنده عدم اجرا و یا اجرای نادرست دو فرمان بزرگ دین یعنی نماز و روزه است. در چنین جامعه ای چه نماز بخوانی و چه نخوانی، چه زکات بدهی و چه ندهی، چه حج بروی و چه نروی نه تنها ثواب ندارد که جزا هم دارد!! اینجاست که دیگر فروع دین سربلند می کنند (تکلیف ملی).

درست است که همه فروع را باید با هم دید اما بسته به شرایط روز، اجرائی می شوند. اما تعطیلی ندارند! اعلامش به تشخیص بزرگان و دلسوزان جامعه است. همچنانکه رویت ماه در ماه مبارک رمضان مهم و الزامی است و در رسانه ها

اعلام می شود رویت این شهاب سنگ های سرگردان، جامعه سوز و خانمان برانداز هم باید اعلام خطر بشود. جامعه باید تلاش کند کارش به فروع دیگر دین که از شیب تندی برخوردار هستند، نکشد. امر به معروف آخرین منطق نرم اسلام است. وقتی تعداد قلیل صاحب کنز و تعداد کثیر صاحب کفر شدند (به فرمایش پیامبر گرامی فقر از هر دری وارد شود ایمان از در دیگر خارج می شود) نهی از منکر وارد عمل می شود با تمام قد و قامتش و با همه هیبت و قدرتش در برابر هر نا آدم با مقام و بی مقامی! اگر زیاده خواهان اصلاح شدند فبهاالمراد وگرنه امر جهاد بر هر زن و مرد مسلمان واجب می شود.

جهاد با دشمن داخلی (نرم افزار) سخت تر از دشمن خارجی (سخت افزار) است. اینجاست که رسالت علمای مذهبی سنگین تر می شود. علم به تنهائی راهگشا نیست، شجاعت هم می خواهد، محرومیت هم دارد. حرام کردن خواب خوش بر غاصبان هم دارد. این مقام منیع زیبنده بزرگان نامور است که خوشبختانه در عالم اسلام تعداد ایشان کم نبوده است! با یک فتوای دو خطی همه امور به یکباره اصلاح می شود و همه دین به یک باره احیا می شود. بلی آگاهی خودش رنج آورست. عمل به آگاهی آنهم به دستور خدا، دل شیر می خواهد و قفس شیر! دل شیر برای شکستن نفس های سرکش دیگران و قفس شیر برای حبس نفس های خفته خود. باید مسئولیت ها را دوباره دید تا لباسها را دوباره پوشید. نمازها را دوباره خواند تا نمازگزاران بیشتری جذب نور خدا بشوند.